

مچ‌گیری‌های زیان‌بار

عباس عبدي

وضعیت سیاست‌ورزی در ایران تاسف‌بار شده است. هنگامی که رقابت سیاسی در چارچوب نهادهای حزبی تعریف شده نباشد، رقابت سیاسی تبدیل به نوعی ایرادگیری و نق‌زدن‌های بی‌فایده و زیان‌بار شده و همه چیز سیاه و سفید دیده می‌شود و بیش از اینکه معطوف به حل مساله باشد متوجه رد و تخطئه رقیب و ناظر به مچ‌گیری از یکدیگر می‌شود. از مواضع 30 سال پیش، علیه یکدیگر کد می‌آورند که چنین و چنان گفتی و چرا حالا چنین می‌گویی؟ البته این رفتار تا حدی در همه جا وجود دارد. سیاستی که از این موارد و آلودگی‌ها صد درصد پاک و منزه و پیراسته باشد وجود ندارد، ولی غلبه این مچ‌گیری‌ها بر میدان سیاست، به‌طور کلی زیان‌بار است. سیاست را نباید از روی دشمنی نسبت به رقیب تعریف کرد، سیاست باید شیوه‌ای برای تامین خیر عمومی باشد. با آمدن دولت جدید، بسیاری از منتقدان آن مشغول مچ‌گیری شده‌اند. برای نمونه می‌گویند شما که مخالف با افزایش قیمت‌ها بودید، چرا خودتان افزایش قیمت می‌دهید؟ شما که مخالف واردات واکسن بودید، چرا حالا دنبال واردات هستید؟ یا چرا فایزر وارد خواهد شد؟ شما که مخالف برجام بودید، چرا می‌خواهید در قالب برجام مذاکره کنید؟ اینها تازه اول کار است. فردا که این دولت کار خود را آغاز کند، مجبور است بسیاری از کارهایی را که زمانی به آنها انتقاد می‌کردند، خودشان انجام دهند. نمی‌توان این شیوه مچ‌گیری را همچنان ادامه داد. مساله قیمت حامل‌های انرژی یا تامین کسری بودجه و ده‌ها نمونه دیگر تکرار خواهد شد و چاره‌ای هم جز اجرای آنها نیست. برخورد با این سیاست‌ها را می‌توان به دو گونه انجام داد؛ اول همان شیوه مچ‌گیری که چرا قبلا خودتان در رد اینها می‌گفتید، حالا هم می‌خواهید همان را انجام دهید؟

دوم اینکه گذشته، گذشته است، اگر این سیاست را درست می‌دانیم که در گذشته انجام شده است، اکنون نیز از آن باید حمایت کرد. مساله سیاست را نباید به نبودن یکی و بودن دیگری در قدرت تقلیل داد. مساله اصلی انجام سیاست‌های درست است که به نفع همگان باشد. بسیاری از افرادی که پیش‌تر با سیاست معین مخالف بوده‌اند، بیش از آنکه ناشی از بدذاتی آنان باشد، ناشی از کم‌اطلاعی آنان بوده و حالا که در مصدر کار قرار گرفته‌اند به ضرورت اجرای چنین سیاستی پی

برده‌اند. البته طرفداران آن سیاست‌ها نیز در گذشته به نحوی عمل نکردند که رضایت خاطر و توافق عمومی مردم را جلب کنند. برای نمونه دو موضوع افزایش قیمت حامل‌های انرژی و برجام را می‌توان مثال زد. کلیات هر دو سیاست قابل دفاع بود، ولی به شرطی که زمینه‌سازی مناسبی انجام می‌شد. در قضیه افزایش قیمت سوخت باید در زمان مناسب و با پیش‌بینی تمهیدات عمومی و جلب رضایت عامه انجام می‌شد. مردم باید بفهمند که چرا این کار به نفع آنان است. حال اگر دولتی این کار را نتواند انجام دهد و آن سیاست با شکست مواجه شود، نباید مخالفان آن زمان را در اجرای این سیاست و در شرایط دیگر سرزنش کرد. نمونه دیگر برجام است. برجام و توافق انجام شده قابل دفاع بود. ولی تصویری از برجام عرضه شد که گویی کلید جادو و بازکننده همه مشکلات است که تصویری واقعی نبود. در همان زمان هم بارها در نقد این بزرگنمایی تذکر داده شد ولی ظاهراً گوش شنوایی نبود. واکسن و واردات آن نیز از همین قاعده تبعیت می‌کند. مجموعه ساختار سیاسی و به‌طور مشخص مخالفان درونی دولت در ساختار قدرت، موافق واردات نبودند. در این موضوع اقدامات آگاهی‌بخشی لازم در دفاع از ضرورت واردات واکسن انجام شد و مخالفت با واردات واکسن هیچ توجیهی نداشت، از این‌رو دولت می‌توانست با تغییر وزیر بهداشت این مشکل را تا حدودی حل کند که نکرد. با همه اینها اکنون ضروری نیست که مخالفت قبلی طرفداران دولت فعلی با واردات را تبدیل به چماق علیه این دولت کرد. سیاست تامین فوری واکسن را باید تشویق کرد. باید نگاه‌مان در همه امور به حل مسائل مردم باشد. از هر گونه سیاست اقتصادی که منجر به افزایش بهره‌وری، کاهش رانت و حذف قیمت‌گذاری و کاهش کسری بودجه می‌شود باید حمایت کرد. از واردات واکسن، از توافق برجام، از تعدیل متناسب قیمت حامل‌های انرژی دفاع می‌کنیم. در عین حال باید وعده‌های متولیان دولت کنونی درباره آزادی‌ها و حقوق ملت و فضای مجازی را به رخ آنان کشید که اکنون می‌خواهند خلاف آنها عمل کنند. هر چند در این موارد هم مستدل باید توضیح داد که چرا این سیاست‌ها زیان‌بار است.